



## بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی در آستانه‌ی سالروز قیام بیست‌ونهم بهمن ۱۳۵۶؛ در حسینیه‌ی امام خمینی (رحمه‌الله) - 27 / بهمن / 1395

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ( ۱ )

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا و نبيتنا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقية الله في الارضين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

برادران و خواهران عزیز، خیلی خوش آمدید! روز بیست‌ونهم بهمن هر سال یکی از روزهای پُرحماسه و پُرشکوه ما در این حسینیه است به خاطر حضور شما. برای بنده هم که اشتیاق دارم به دیدار مردم عزیز تبریز و آذربایجان، این یک فرصتی است که اگر همه‌ی آن مردم عزیز را نمیتوانیم زیارت کنیم، جمعی از جوانان، مسئولان، علمای اعلام، قشرهای مختلف را اینجا در حسینیه زیارت کنیم. خیلی خوش آمدید! سلام ما را به بقیه‌ی مردم عزیز در تبریز و در شهرهای دیگر آذربایجان ابلاغ کنید. مندن سلام یتیرون سایر همشهری لره. ( ۲ )

مسئله‌ی بیست‌ونهم بهمن یک مسئله‌ی تاریخی صرف نیست؛ یک درس است، یک عنوان است. این را برای شما جوانها عرض میکنم: مردم آذربایجان و مردم تبریز نه فقط در قضیه‌ی انقلاب و بیست‌ونهم بهمن - که بیست‌ونهم بهمن موتوری شد برای پیروزی انقلاب در بیست‌ودوم بهمن سال بعد؛ موتور بود برای اینکه بتواند این کار انجام بگیرد؛ پیش‌برنده بود - بلکه از حدود ۱۲۰ سال، ۱۳۰ سال قبل در همه‌ی قضایای مهم تحول اجتماعی در کشور و مسائل مهم سیاسی، یکی از اصلی‌ترین محورهای مبارزه بوده‌اند؛ این را جوانهای عزیز ما بدانند؛ شناسنامه‌ی آذربایجان این است. هم در قضیه‌ی تنباکو و مرحوم حاج میرزا جواد مجتهد تبریزی، [هم] در قضیه‌ی مشروطیت - که خب قضایای مشروطه‌ی آذربایجان معروف است - هم در قضیه‌ی نهضت ملی و جدایی نفت از انگلیس، آذربایجان یکی از جاهای مهم نقش‌آفرین بود؛ هم در انقلاب اسلامی، هم در جنگ تحمیلی، هم در حوادث قبل از جنگ در خود تبریز و خود آذربایجان، مردم آذربایجان بودند که نقش‌آفرینی کردند.

اوایل انقلاب یک حرکتی را بعضی شروع کردند در ضدیت با انقلاب در ایجاد شکاف در شوق عصای ( ۳ ) مردم انقلابی ایران، به خیال خودشان تبریز را جای مناسبی برای این کار دانستند - که این همیشه جزو سیاستهای قدیمی انگلیس و عناصر ضد ایران بوده است - رفتند آنجا شلوغ کردند. ما عضو شورای انقلاب بودیم؛ در تهران بحث میشد، بعضی‌ها نگران بودند، [اما] امام فرمود هیچ کس نگران نباشد، خود مردم تبریز جواب اینها را میدهند؛ و همین شد؛ هیچ احتیاج به کس دیگری نبود؛ مردم آذربایجان این جور هستند. در دوران جنگ، لشکر عاشورا یکی از لشکرهای خط‌شکن بود؛ فقط هم آن لشکر نبود، علمای آذربایجان، قشرهای مختلف آذربایجان، دستگاه‌های پشتیبانی آذربایجان، همه در میدان بودند؛ تاریخ آذربایجان این است. آذربایجان همواره یک‌تنه ایستاده است در مقابل طمع کسانی که چشم دوخته‌اند به ایجاد شکاف قومیتی در کشور؛ و امروز هم این کارها را دارند دنبال میکنند.

خب کشور ما متشکل است از زبانهای مختلف، از قومیت‌های مختلف؛ ترکی هست، فارسی هست، عربی هست، بلوچی هست، لری هست، کردی هست؛ این یک تنوع است و این تنوع فرصت است، [اما] دشمن همیشه چشم



دوخته است به اینکه این را وسیله‌ی شکاف قرار بدهد. خود قومیت‌های بزرگ ایرانی و البته از همه بهتر مردم آذربایجان سینه سپر کرده‌اند و در مقابل این سیاست خبثت‌آلود دشمنان ایستاده‌اند. این را جوانهای عزیز ما در همه‌جای کشور توجه داشته باشند که دشمن چشم دوخته است و از هر گسلی که خیال میکند میتواند یک زلزله‌ای ایجاد بکند، میخواهد استفاده کند برای منهدم کردن اساس استقلال این کشور و اساس انقلاب؛ از همه‌ی امکانات میخواهد استفاده کند، میگردد به خیال خودش گسلها را پیدا میکند؛ درحالی‌که گسلی وجود ندارد؛ مردم یکپارچه‌اند، مردم متحدند.

خب، شما که خودتان اهل تبریز و اهل آذربایجانید، احساسات خودتان را میدانید. این شعری که اینجا خواندید: «بیعتده وفاداروخ، بیز آنداولا قرآنا» (۴) این را میدانیم، این چیز مسلمی است. مردم آذربایجان نه فقط در زبان [بلکه] در عمل این را اثبات کرده‌اند، و نشان داده‌اند که در مقابل دشمن وسوسه‌گر و تفرقه‌افکن ایستاده‌اند. عزیزان من! خوشبختانه بقیه‌ی اقوام ایرانی هم همین‌جور [هستند]؛ خراسانی هم همین‌جور - با اختلاف مذهب در شرق خراسان - گرد هم همین‌جور، بلوچ هم همین‌جور. در بین بلوچها علمایی بودند که در مقابل دشمنان انقلاب در اول انقلاب سینه سپر کردند. بنده آنجا مدت‌ها بوده‌ام، می‌شناختم علمای آنجا را. بگذارید اسم بیاوریم تا مردم بشناسند اینها را: مرحوم مولوی عبدالعزیز ساداتی، اهل سراوان؛ پیرمرد - یک مشت استخوان - در مقابل مخالفین انقلاب و منتقدین انقلاب و بهانه‌گیران بر انقلاب ایستاد و از انقلاب دفاع کرد؛ بلوچ و سنی بود. در کردستان، مرحوم شیخ الاسلام؛ در سنج مستحکم و قوی سخنرانی کرد؛ اهل سنت بودند - کردها شافعی هستند - اما از انقلاب دفاع کردند، چون دیدند انقلاب پرچم اسلام را بلند کرده است. [اما] ضدانقلاب شیخ الاسلام را به خاطر همان سخنرانی، به خاطر همان مواضع به شهادت رساند. در خوزستان جوانهای عرب در مقابل تهاجم رژیم صدام ایستادند. آنها هم عرب بودند، اینها هم عرب بودند اما این عرب ایستاد. اسم شهید علی هاشمی - سردار جوان عرب خوزستانی، اهل اهواز - و اسم اینها فراموش نخواهد شد؛ اینها ایستادند. او هم عربی حرف میزد، این هم عربی حرف میزد اما این حقیقت را فهمید، توطئه‌ی دشمن را شناخت و ایستاد؛ بقیه‌ی اقوام ایرانی همین‌جور. از همه جلوتر و بهتر مردم آذربایجان هستند. حالا مدام توطئه کنند، مدام بنشینند، مدام حرف بزنند، مدام پول خرج کنند، مدام دلارهای نفتی را از کیسه‌ی قارون‌ها بیرون بکشند و خرج ایجاد تفرقه‌ی در کشور بکنند؛ نمیتوانند.

ملت متحد است، ملت مجتمع است. من امروز راجع به این موضوع صحبت میکنم، راجع به بیست و دوّم بهمن هم عرض خواهم کرد، راجع به مسئولین و مسئولیت‌هایشان هم عرض خواهم کرد؛ همه‌ی اینها را در کنار هم باید دید. ملت ایران ایستاده‌اند، مجتمع هستند. حالا یک عده‌ای یاد گرفته‌اند تعبیرات «آشتی ملی، آشتی ملی» [را گفتن]؛ این حرفها به نظر من معنی ندارد؛ مردم مجتمعند، با هم متحدند؛ آنجایی که پای اسلام در میان است، پای ایران در میان است، پای استقلال در میان است، پای ایستادگی در مقابل دشمن در میان است، مردم با همه‌ی وجودشان ایستاده‌اند. ممکن است در فلان مسئله‌ی سیاسی دو نفر با هم اختلاف نظر داشته باشند [اما] تأثیری نمیگذارد. چرا میگویید آشتی؟ مگر قهرند که بیایند با هم آشتی کنند؟ این تعبیرات را روزنامه‌ها پربال میدهند، متوجه نیستند که اشکال ایجاد میکنند. وقتی شما میگویید آشتی، مثل این است که یک قهری وجود دارد؛ [درحالی‌که] قهری وجود ندارد. بله، مردم ما با آن کسانی که به روز عاشورا اهانت کردند قهرند. ملت با آنهایی که روز عاشورا، با قساوت، با لودگی، با بی‌حیایی آمدند جوان بسیجی را در خیابان لخت کردند و کتک زدند، قهر است. با اینها آشتی هم نمیکنیم، و با آن کسانی که با اصل انقلاب بدند، میگویند اصل نظام هدف ما است، میگویند انتخابات بهانه‌ی ما است؛ که البته آنها عده‌ی معدودی‌اند، عده‌ی کمی‌اند؛ در مقابل اقیانوس عظیم ملت ایران آنها یک قطره‌اند؛ چیزی نیستند.



این اقیانوس با یکدیگر منسجم و متحد است؛ این اتحاد وجود دارد و باید وجود داشته باشد و روزه‌روز باید تقویت بشود.

بحمدالله نخبگان آذربایجان همیشه متوجه این نکات بوده‌اند. جوانان غیور آذربایجان، مردم آذربایجان از قشرهای مختلف، همیشه متوجه این نکته بوده‌اند و در مقابل توطئه‌ی دشمن، وسوسه‌ی دشمن، فعالیت دشمن ایستاده‌اند؛ از وحدت ملی دفاع کرده‌اند و در راه آن، جانشان را مایه گذاشته‌اند. خود شما در درجه‌ی اول، و ماها و همه‌ی مسئولین و آحاد ملت قدر آذربایجان را باید بدانیم. آذربایجان یک نقطه‌ی قوت است برای انقلاب و برای نظام اسلامی. این مطلب اول.

و اما راجع به بیست و دوّم بهمین. اولاً بنده باید از همه‌ی ملت ایران از صمیم قلب تشکر کنم. امسال بیست و دوّم بهمین برای انقلاب و برای نظام اسلامی و برای ایران اسلامی آبرو شد. قضاوت مسئولان داخلی و افرادی که معمولاً جمعیت‌ها را در خیابان تخمین می‌زنند که چقدر بودند، این بود که در شهرهای بزرگ کشور و در هفتاد درصد شهرهای کشور، جمعیت نسبت به سالهای گذشته بعضی بیشتر بود، بعضی بسیار بیشتر بود، بعضی دو برابر بود. این را کسانی که ارزیابی‌های داخلی ما هستند گفتند؛ فقط [هم] اینها نگفتند؛ خارجی‌ها هم گفتند؛ دشمنان انقلاب هم گفتند؛ همان کسانی که هر سال راه‌پیمایی بیست و دوّم بهمین را تحقیر میکردند و میگفتند چند هزار نفر آمدند در خیابان، امسال تعبیرات میلیونی به کار بردند. بله، درست است؛ میلیون‌ها انسان در سراسر کشور آمدند به خیابان. بنده زبانم قاصر است، کسی هم نیستم که بخواهم تشکر کنم؛ [انقلاب] مال خود مردم است. خدا را باید شکر کرد، خدا را باید سپاس گفت که دل‌های مردم را به این جهت متوجه کرد.

نکته‌ی مهم این است که در طول سال با پول سازمان سیا و سازمان مוסاد و دستگاه اطلاعاتی و جاسوسی انگلیس و دلارهای نفتی قارون‌ها صدها رسانه علیه انقلاب حرف می‌زنند. در طول سال شب و روز مشغولند؛ ده‌ها سیاسی ورشکسته‌ی فراری را که از ایران فرار کرده‌اند پیدا میکنند، یک مزدی بهشان میدهند تا بنشینند تحلیل بنویسند، خبر بنویسند، سخنرانی تهیه کنند علیه انقلاب و علیه نظام؛ از امام تا مردم ایران، تا فعالیت‌های گوناگون انقلاب را - که حالا یک اشاره‌ای من خواهم کرد- تحقیر کنند، انقلاب را متهم کنند، نظام را متهم کنند، تضعیف کنند. یک سال تلاش میکنند، بعد روز بیست و دوّم بهمین، این باران رحمت الهی، این حضور عظیم مردمی مثل باران میبارد و این فضای آلوده و غبارآلود را تمیز میکند. مثل یک جریان مبارکی در خیابانها راه می‌افتد، ذهن مردم را پاکیزه میکند و از آلودگی پاک میکند. بیست و دوّم بهمین این است.

یک بیست و دوّم بهمین را داریم، یک روز قدس را داریم و هر کدام یک معنایی دارد، یک هدفی دارد؛ مردم این معنا را خوب درک میکنند و با توجه به آن معنا وارد میدان میشوند. حالا در میدان چه کسانی هستند؟ این خیلی نکته‌ی مهمی است. شما در شهر تبریز یا در شهرهای دیگر یا اینجا در تهران، این جمعیت عظیمی را که دارند حرکت میکنند یک نگاهی بکنید؛ اکثر اینها ۳۷ سال عمرشان نیست -عمر انقلاب ۳۷ سال، ۳۸ سال است- یعنی اول انقلاب را ندیده‌اند، امام را ندیده‌اند، دوران دفاع مقدس را ندیده‌اند، دوران تلخ و سیاه اختناق زمان طاغوت را ندیده‌اند اما می‌آیند؛ با همان هیجان، با همان احساس، با همان معرفت، با همان روشنفکری و روشن بینی در خیابانها مشت گره میکنند و شعار میدهند و فریاد می‌زنند؛ معنایش چیست؟ معنایش این است که انقلاب زنده است؛ معنایش این است که انقلاب روینده است، بالنده است، اینها رویشهای جدید انقلابند؛ این نسل سوّم و چهارم



انقلاب است که دارد می‌آید و در مقابل دشمن می‌ایستد و حرف قاطع خودش را می‌زند. این خیلی مهم است.

دشمن سعی میکند -البته آب در هاون میکوبد- انقلاب را ناکارآمد نشان بدهد؛ خب، ما نابسامانی داریم؛ کجای دنیا و کدام کشور همه‌ی مسائلیش تمام‌وتمام درست شده و حل شده است؟ نابسامانی‌ها همه‌جا وجود دارد، ما هم داریم -حالا من اشاره خواهم کرد- از آنها صرف‌نظر هم نمیکنیم؛ نابسامانی بلاشک هست اما دشمن سعی میکند در قبال این نابسامانی‌ها پیشرفتهای انقلاب را ندیده بگیرد. انقلاب و نظام اسلامی در این حدود ۳۸ سال کار بزرگی انجام داده است. من یک فهرستی در اختیار دارم از رؤس برنامه‌های انقلاب در طول این سالهای ۳۸ گانه که چه تلاشی برای کشور انجام گرفته است؛ در صد سال هم این‌جور تلاشی به وسیله‌ی دولتهای توانا و فعال انجام نمیگیرد.

نسبت به ماقبل انقلاب مقایسه میکنیم؛ در زمینه‌های زیربنایی -که این مسائل زیربنایی برای آینده‌ی کشور و پیشرفت کشور بسیار مهم است- در یک مواردی پیشرفت کشور در دوران انقلاب هزار درصد است، یعنی ده برابر؛ در بعضی از موارد دوهزار درصد تا شش هزار درصد، یعنی شصت برابر. تعداد دانشجو، پیشرفت علمی، کارهای زیربنایی، مسائل فراوان عظیم فرهنگی، آبرو و عزت ملی را مقایسه میکنیم با قبل از انقلاب، با دوران طاغوت، با دوران تسلط آمریکا، با دوران محلّ استراحت بودن تهران برای عناصر صهیونیست که هر وقت خسته میشدند می‌آمدند اینجا در باغ شیان که محلّ استراحتشان بود خوش بگذرانند، هفت روز، هشت روز، ده روز بمانند و برگردند؛ این را مقایسه میکنیم با آن. کشور پیشرفت کرده است، حرکت کرده است، جهش پیدا کرده. آن روز کشور به وسیله‌ی یک دولت توسری خور اداره میشد. حکومت طاغوت یک حکومت توسری خور بود؛ توسری خور آمریکا، توسری خور انگلیس، توسری خور دولتهای بزرگ؛ ملت را ذلیل کرده بودند، خوار کرده بودند، ظرفیتهای کشور را بکلی تعطیل کرده بودند، بعضی را هم به دشمن سپرده بودند؛ انقلاب آمد بسیاری از این ظرفیتهای را فعال کرد؛ امروز کشور عزیز است. امروز در سطح منطقه تقریباً در همه‌ی مسائل منطقه تا ایران نخواهد، تا ایران حضور نداشته باشد و اراده نکند کاری پیش نیرود. ملت ایران نشان داده است ملت مقاومی است؛ همه‌ی اینها را دشمنان ما در تحلیل‌های خودشان میگویند؛ میگویند با ملت ایران نمیشود مواجهه و مقابله کرد؛ ملت مقاومی است، ایستادگی میکند، در مقابل دشمن تسلیم نمیشود؛ این عزت است. این عزت را مقایسه میکنند با دوران ذلتی که آنها بر این ملت، بر این کشور تحمیل [کردند]. بله، معلوم است، این مایه‌ی شادمانی و سرور جوانها است که می‌آیند به میدان. بیست و دوّم بهمین این است؛ بیست و دوّم بهمین یک نعمت الهی است، یک فرصت الهی است برای اینکه ملت خودش را نشان بدهد، اراده‌ی خودش را با صدای بلند فریاد بزند. آنچه در دل آحاد این ملت هست، در شعارهایشان در روز بیست و دوّم بهمین در همه‌جا کشور نمایان میشود. ما دنبال پیشرفتیم، دنبال اسلامیم، دنبال نظام اسلامی برخاسته‌ی از مردمیم که میتواند مشکلات مردم را حل کند؛ این شعار بیست و دوّم بهمین هر سال است؛ و ملت هم محکم ایستاده است؛ هر مسئولی هم بخواهد با ملت نباشد و ایستادگی نکند، ملت بدون تردید او را پس خواهد زد. خب، این هم مسئله‌ی بیست و دوّم بهمین.

اما مطلب بعدی که میخواهم عرض بکنم، خطاب به مسئولین محترم کشور است. به مسئولین عرض میکنم که این حضور مردمی در بیست و دوّم بهمین را به حساب گلایه نداشتن آنها از فعالیتهای ما مسئولین به حساب نیاورید. مردم گله‌مندند؛ از بسیاری از چیزهایی که در کشور میگذرد، مردم گله‌مندند. مردم با تبعیض میانهای ندارند؛ هر جا تبعیض ببینند، احساس ناراحتی و رنج میکنند. هر جا کم‌کاری ببینند همین‌جور، هر جا بی‌اعتنائی به مشکلات ببینند



همین جور، هر جا پیش نرفتن کارها را ببینند همین جور؛ مردم گله‌مندند. بیست و دوّم بهمن حساب خودش را دارد؛ ایستادگی مردم در مقابل دشمن کمین کرده‌ی برای بلعیدن ایران یک حرف است که این در بیست و دوّم بهمن ظاهر شد، اما توقعات آنها از ما مسئولین یک حرف دیگر است.

خب، ما [امسال را] عرض کردیم سال «اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل»؛ (۵) [سال] دارد تمام میشود؛ الان آخر بهمن است، اقدام و عمل باید نشان داده بشود. من اوّل سال هم گفتم که مسئولین کشور - چه مسئولین قوّه‌ی مجریّه و دولت، چه مسئولین قوّه‌ی قضائیه، چه مسئولین مجلس؛ فرقی نمیکند، همه - آخر سال باید نشان بدهند که در این سال برای اقدام و عمل چه کردند؛ نگویند باید چنین بشود، باید بگویند چنین شد؛ این را باید مشخص بکنند.

ما امروز دچار مشکلیم، نمیشود مشکلات مردم و گلیه‌های مردم را نادیده گرفت؛ مسئولین باید جدّی بگیرند. مسئله‌ی بیکاری مهم است، مسئله‌ی رکود مهم است، مسئله‌ی گرانی مهم است؛ اینها مسائلی است که وجود دارد. البته مسئولین تلاش میکنند، ما می‌بینیم اما ظرفیتهای بیش از اینها است. من حالا ان شاء الله در وقت خودش عرض خواهم کرد؛ ما در بن‌بست نیستیم، ما در مسائل اقتصادی در بن‌بست قرار نداریم؛ مشکلات هست، از دو طرف، سه طرف، چهار طرف مشکلات هست اما محلّ خروج از مشکلات هم مشخص است. چه جوری میشود از این مشکلات خارج شد؟ مسئولین باید تلاش کنند.

بنده چهار پنج سال یا شش سال قبل از این در سخنرانی اوّل سال گفتم که امروز نگاه دشمنان ملت ایران به مسئله‌ی اقتصاد است؛ (۶) سعی دارند به اقتصاد کشور فشار بیاورند؛ اقتصاد کشور را آن‌چنان زیر فشار قرار بدهند که مردم دچار مشکل بشوند. وقتی مردم دچار مشکل شدند، دل‌زده میشوند، دل‌سرد میشوند؛ دشمن همین را میخواهد. دشمن میخواهد مردم از انقلابشان، از نظامشان، از دولتشان، از کشورشان دل‌سرد بشوند، دل‌زده بشوند؛ لذا روی مسئله‌ی اقتصاد فشار می‌آورد؛ و فشار آوردند. مسئولین باید به این نکته توجه کنند.

البته این جور نیست که مسئله‌ی ما فقط مسئله‌ی اقتصاد باشد؛ همه میدانند، بنده روی مسئله‌ی فرهنگ خیلی حساسیت دارم، روی مسئله‌ی علم خیلی حساسیت دارم لکن وقتی که در زمانهای محدود اولویتهای ما را نگاه میکنیم، مسئله‌ی اقتصاد کشور در اولویت اوّل قرار میگیرد؛ چون دشمن به این متوجه است؛ امروز هم همان کارها را دارند میکنند؛ این را همه توجه کنند. چه در دوره‌ی دولت قبلی آمریکا، چه در دولت فعلی آمریکا، یکی از ترفندهای دشمن این بوده است که مرتب تهدید کنند به جنگ؛ و [اینکه] گزینه‌ی نظامی روی میز است و مانند اینها. آن مسئول اروپایی هم، به مسئولین ما میگوید که جنگ در ایران حتمی بود؛ اگر برجام نبود، حتماً جنگ بود؛ دروغ محض! چرا میگویند جنگ؟ برای اینکه ذهن ما برود به جنگ [اما] جنگ واقعی چیز دیگر است؛ جنگ واقعی جنگ اقتصادی است، جنگ واقعی تحریم است، جنگ واقعی گرفتن عرصه‌های کار و فعالیت و فتاوری در داخل کشور است؛ این جنگ واقعی است. ما را به جنگ نظامی متوجه میکنند تا از این جنگ غفلت کنیم؛ جنگ واقعی جنگ فرهنگی است. این همه تلویزیون‌های گوناگون و شبکه‌های مختلف اینترنتی مشغول کارند برای اینکه دل و ذهن جوان ما را از دین و مقدّسات و عفت و حیا و مانند اینها دور کنند؛ دارند جدّی تلاش میکنند، پولها خرج میکنند برای این کار! جنگ واقعی این است.



مسئولین باید حواسشان باشد. بنده به رئیس‌جمهور محترم گفتم به مدیران تاذکر بدهید تا مدیریت همراه با شفافیت انجام بدهند، مدیریت همراه با نظارت انجام بدهند. مدیر باید نظارت کند، باید کار را دنبال بکند. به صرف اینکه ما گفتیم فلان کار بشود، طرف مقابل هم گفت چشم، که کار تحقق پیدا نمی‌کند. کار بایستی در میدان و روی زمین مشخص بشود که انجام شد؛ اینها آن چیزهایی است که مورد نیاز ما است و بایستی به آن توجه کرد.

من عرض میکنم در آیه‌ی شریفه‌ی «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه» (۷) به احتمال زیاد منظور از «قوه» فقط قوه‌ی نظامی نیست؛ البته قوه‌ی نظامی هم هست اما فقط قوه‌ی نظامی نیست. اعدوا لهم ما استطعتم من قوه؛ هرچه میتوانید، درون خودتان را قوی کنید. معنای این استحکام ساخت داخلی کشور که بنده مکرر می‌گویم، این است. از لحاظ علمی خودتان را قوی کنید، از لحاظ فتاوری خودتان را قوی کنید، از لحاظ تولید داخلی قوی کنید، از لحاظ نفوذ در بازارهای خارجی قوی کنید، از لحاظ کشف ظرفیتهای فراوانی که در این کشور هست و هنوز استفاده نشده است، قوی کنید و این ظرفیتهای را به کار بگیرید. ما که در سیاستها اعلام کردیم که کشور باید به رشد هشت درصد برسد، بعضی گفتند نمیشود! بعد متخصصین و کارشناسها آمدند گفتند اگر ما ظرفیتهای را ملاحظه کنیم، رشد بیش از هشت درصد هم ممکن است در کشور اتفاق بیفتد! نه رشد به معنای اینکه ما نفت بیشتر بفروشیم - البته این مفید است لکن این آن چیزی نیست که مورد نظر ما است - یعنی رشد تولید داخلی کشور، استحکام اقتصادی داخل کشور؛ یعنی همان اقتصاد مقاومتی که ما بارها تأکید کرده‌ایم و تکرار کرده‌ایم. آن وقت یک عده‌ای می‌آیند روی کمبودها انگشت می‌گذارند، مبالغه میکنند، اغراق میکنند، پیشرفتهای را نمی‌گویند، راه‌حل‌ها را هم نمی‌گویند! اتفاقاً اینها همان کسانی هستند که خودشان به دشمن گرا (۸) دادند که ایران را تحریم کنند؛ گرای تحریم را اینها دادند. خود همینها بیش از همه - در داخل کمتر، در خارج بیشتر - روی نقاط ضعف تکیه میکنند.

برادران عزیز، خواهران عزیز، جوانان آذربایجانی، ای شجاعان میدانهای سخت که امتحان خودتان را داده‌اید! من به شما عرض میکنم: بدانید که اگر ما با همین سبک حرکت و به تعبیر رایج با همین فرمان جلو برویم، قطعاً پیروزی متعلق به ملت ایران است. همه فکر کنند، همه تلاش کنند، همه همت بگذارند، همه آینده را در نظر بگیرند، همه آرمانها را جلوی چشمشان نگه دارند و به سمت آن آرمانها حرکت بکنند، همه این امید مقدس را در دلهایشان گرم نگه دارند. خدا را شکر میکنیم که شعله‌ی امید را در دلهای ما زنده نگه داشت که یک لحظه نسبت به آینده‌ی کشور ناامید نشدیم و بحمدالله آنچه را امید داشتیم، به بهتر از آن و بیشتر از آن رسیدیم؛ اما این همه‌ی آرزوهای ما نیست، همه‌ی خواسته‌های ما نیست؛ همه‌ی خواسته‌های خدا هم از ما نیست. ما یک قدم کوتاهی حرکت کردیم؛ باید گامهای بلندتری برداریم و برویم و به آنچه نظام اسلامی وعده داده است که ایجاد یک جامعه‌ی اسلامی عادلانه‌ی پیشرو مقتدر باعزت و با قدرت است ان شاءالله برسیم و مطمئناً هم به آن خواهیم رسید؛ ان شاءالله و باذن الله تعالی. خداوند ان شاءالله شما را محفوظ بدارد؛ خداوند شما را حفظ کند.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

(۱) در ابتدای این دیدار، آیت‌الله محسن مجتهدشبهستری (نماینده‌ی ولی‌فقیه در استان و امام جمعه‌ی تبریز) مطالبی بیان کرد.

(۲) سلام من را به سایر همشهری‌ها برسانید.

(۳) مخالفت با امری که گروهی در آن اتفاق نظر دارند و دوری کردن از آنان.



- ۴) سوگند به قرآن به بیعتمان وفاداریم.
- ۵) اشاره به شعار سال ۹۵
- ۶) بیانات در جمع زائران و مجاوران حرم رضوی در مشهد مقدس ( ۱۳۹۰/۱/۱ )
- ۷) سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۶۰: «و هرچه در توان دارید، بسیج کنید...»
- ۸) نشانی دادن، علامت دادن.